



تأملی در تصویرسازی  
کتاب‌های دینی برای کودکان و نوجوانان  
نقش تصویرسازی در تولید علم  
و...



بسم الله الرحمن الرحيم  
محضر مبارک رهبر معظم انقلاب  
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

سلام علیکم و رحمت الله

چندی پیش توفیق زیارت حضرتعالی نصیب اینجانب و جمعی از فعالان حوزه ادبیات کودک و نوجوان شد. پیرو عرایضی که در حوزه تصویرسازی کتاب‌های کودکان و نوجوانان داشتم، دستور فرمودید نکات مذکور، همراه با پیشنهادهای عملی، به صورت کتبی به عرض رسانده شود.

با کسب اجازه، در پنج محور نکاتی را تقدیم می‌کنم:

۱. تصویرسازی از اولیا خدا برای کودکان و نوجوانان
۲. تمایز در تصویرگری پوشش دختران و زنان در خانه و اماکن

عمومی

۳. نقش تصویرسازی در تولید علم

۴. به‌کارگیری حداکثری از توان تصویرگری بسیار خوب برای

کتاب‌های درسی

۵. پیشنهاد تأسیس شاخه هنر در دانشگاه امام صادق علیه السلام

۱. تصویرسازی از اولیای خدا برای کودکان و نوجوانان

استحضار دارید بخشی از کتاب‌های دینی که برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان تولید می‌شود، کتاب‌هایی است که درباره زندگی حضرات معصومین علیهم السلام نوشته شده است. یکی از

تفاوت‌ها و وجوه تمایز کتاب‌های کودک و نوجوان با کتاب‌های بزرگ‌سالان، بهره‌گیری از تصویر در این گروه از کتاب‌هاست و روشن است که تصویر، ضمن آنکه در ایجاد جذابیت برای این گروه سنی نقش آفرینی می‌کند، بخش زیادی از بار انتقال محتوا و مفهوم را نیز بر دوش می‌کشد. اهمیت تصویر در این طیف از کتاب‌ها، با کاهش سن مخاطب بالاتر می‌رود.

شیوه رایج تصویرسازی در کتاب‌هایی که حول زندگی معصومین علیهم‌السلام نوشته می‌شوند، دو گونه است:

**الف.** تصویر و چهره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام معصوم علیهم‌السلام توسط تصویرگر ترسیم می‌شود، ولی چهره با نور پوشانده می‌شود. در این شیوه، چهره از دید بیننده پوشیده می‌ماند و حداکثر ابعاد سر و صورت قابل تشخیص است.

**ب.** در شیوه دوم، به جای ترسیم چهره معصوم علیهم‌السلام، یک برقع بر چهره معصوم، چه زن و چه مرد، ترسیم می‌شود و حتی تشخیص ابعاد چهره نیز برای مخاطب کودک میسر نیست.

مشکلی که در هر دو روش تصویرسازی، رخ می‌نماید، این است که بخش زیادی از کودکان، از ایجاد ارتباط مناسب با تصاویر و در نهایت ارتباط مناسب با کتاب درمی‌مانند. این تصاویر، برای آن‌ها جذابیت کافی ندارد و به همین سبب به خود کتاب هم اقبال نشان نمی‌دهند.

بسیاری از ناشران آثار مذهبی کودک و نوجوان و همچنین

معلم‌ان مدارس که تجربه نزدیکی از برخورد کودک با تصاویر مذهبی کتاب‌های دینی دارند می‌توانند گواهی دهند که مخاطب نسبت به این تصاویر چه واکنشی نشان می‌دهد. کودکان با دیدن این تصاویر، می‌پرسند که چرا آن‌ها صورتشان را با پرده پوشانده‌اند یا چرا هیچ‌کدام از ایشان صورت و چشم و دهان ندارند؟ آیا آن‌ها مانند ما انسان نبودند؟ آیا آن‌ها خورشید و ماه‌اند و آیا آن‌ها گرسنه و تشنه نمی‌شدند و آب و غذا نمی‌خوردند و نمی‌خوابیدند؟

کودک می‌خواهد شیوهٔ درست زندگی و آداب را از کسانی بیاموزند که چهره‌هایی پوشیده و متفاوت از او دارند، حال آنکه به او گفته می‌شود آن‌ها هم مانند ما انسان‌هایی بوده‌اند که از کارهای خوب دیگران خوش‌حال و از کارهای زشتشان ناراحت می‌شدند و گاهی می‌خندیدند و گاهی می‌گریستند. با این وصف، کودک هرگز در تصویر کتابش، خوش‌حالی یا ناراحتی آن‌ها را نمی‌بیند و باز خورد رفتار دیگر شخصیت‌ها را در چهرهٔ آن‌ها لمس و حس نمی‌کند.

برخی بر این باورند که قوت محتوا و جذابیت آن می‌تواند این اشکال را کم‌رنگ‌تر کند و خواننده به جای تصویر با محتوا درگیر شود؛ اما این اشکال حتی در بهترین آثار نویسندگان خوب کودک و نوجوان، چهره می‌نماید؛ زیرا تصویر در هر حال دروازهٔ ورود کودک به کتاب و داستان است و حتی محتوای قوی، بی‌نیاز از تصویر مناسب نیست.

تردیدی وجود ندارد که کتاب‌های تربیتی که به زبان مناسب،

به سیره و سبک زندگی حضرات معصومین علیهم‌السلام پرداخته باشد، از نیازهای اساسی جامعه دینی ماست و اگر برای ماور باشیم که آثار مفاهیم ناب مذهبی در سنین خردسالی و کودکی، چونان نقشی ماندگار بر سنگ است، نمی‌توان از انتشار چنین آثاری چشم پوشید و آن را کنار نهاد و به ابعاد گوناگون آن نیندیشید.

**راه حل پیشنهادی:** به نظر می‌رسد، مؤثرترین عامل در اتخاذ این شیوه از تصویرگری، نگرانی از وهن مقام قدسی حضرات معصومین علیهم‌السلام بوده است. در این صورت می‌توان به دنبال راهکاری بود که ضمن حفظ احترام اولیای الهی و شأن قدسی و آسمانی آنان، به‌گونه‌ای چهره آنان را ترسیم کرد که به بُعد انسانی و زمینی ایشان بی‌توجهی نشود و کودک به نحو مناسب‌تری با تصویر آن بزرگواران ارتباط برقرار سازد و به عبارت دیگر برای کودک جذاب باشد.

به نظر می‌رسد، به دلیل حساسیت موضوع و پرهیز از سلیقه‌های فردی هنرمندان، می‌توان یک گروه تخصصی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا در حوزه علمیه قم به این منظور شکل داد، و کتاب‌های مربوط به زندگی حضرات معصومین علیهم‌السلام را به آن‌ها سپرد.

**این گروه می‌تواند متشکل از افراد زیر باشد:**

۱. سه عالم دینی (که با دنیای کودکان آشنا باشند).
۲. یک روان‌شناس علوم تربیتی
۳. یک آموزگار

۴. یک نویسنده شناخته شده در حوزه کودک و نوجوان

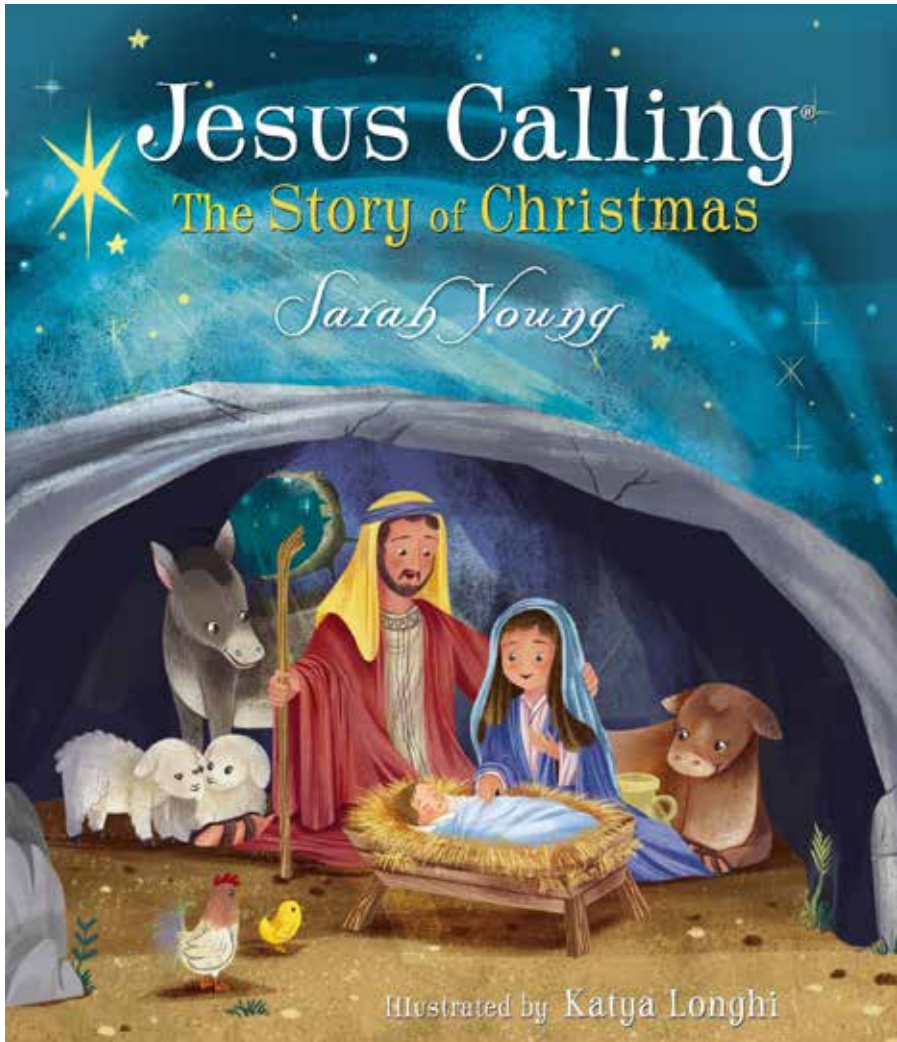
۵. یک تصویرگر مجرب

۶. کارشناس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

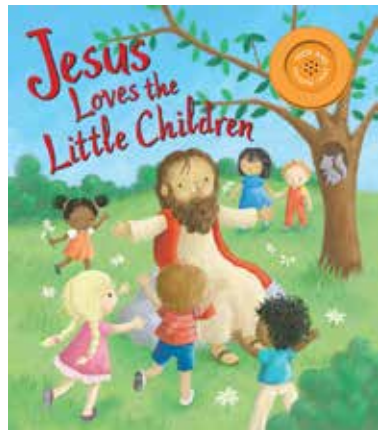
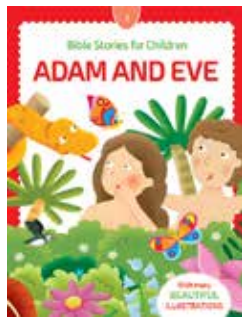
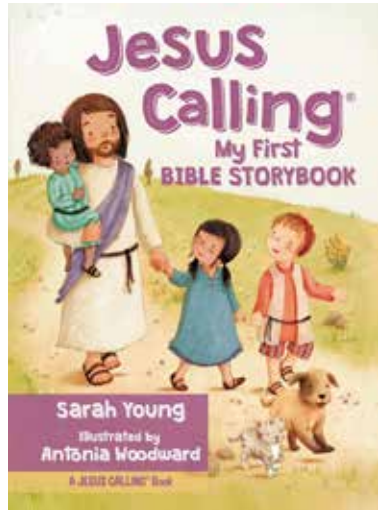
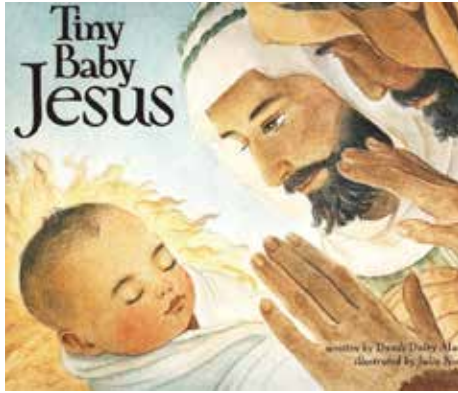
این گروه علاوه بر ارزیابی ارزش هنری تصاویر، مراقبت می‌کند که تصاویر موجب وهن مقام اولیا الهی نباشد.



نمونه‌هایی از به‌کارگیری تصاویر در انتقال مفاهیم دینی و کودکانه در دنیای مسیحیت که هیچ‌گاه از نور و یا پوشینه استفاده نشده است و تصویرگر بر اساس ذوق و دلدادگی به موضوع توانسته است جذابیت‌های مفاهیم و باورپذیری آن را امکان پذیر نماید. (هر چند مقید به حفظ و شأن حضرت مسیح صلی الله علیه و آله برای همگان اجباری نبوده و گاهی به وهن و طنز هم کشیده شده است.)



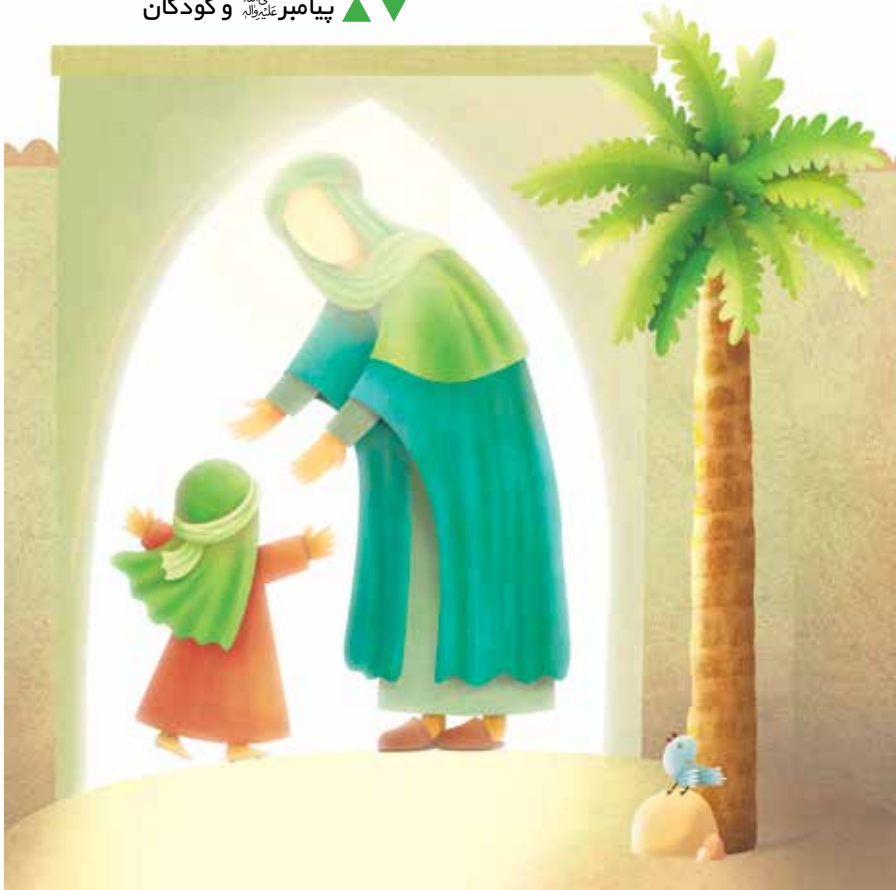






نمونه‌هایی از تصویرسازی معصومین علیهم‌السلام که توسط تعدادی از بهترین تصویرگران ایران و با اعمال سلیقه‌های مختلف به تصویر کشیده شده است ارائه می‌شود.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و کودکان ▲ ▼



▼ حضرت محمد ﷺ در غار حرا



▼ کودکی حضرت زهرا عليها السلام



▼ گفتگوی امام جعفر صادق عليه السلام با کودک در مهربانی با والدین

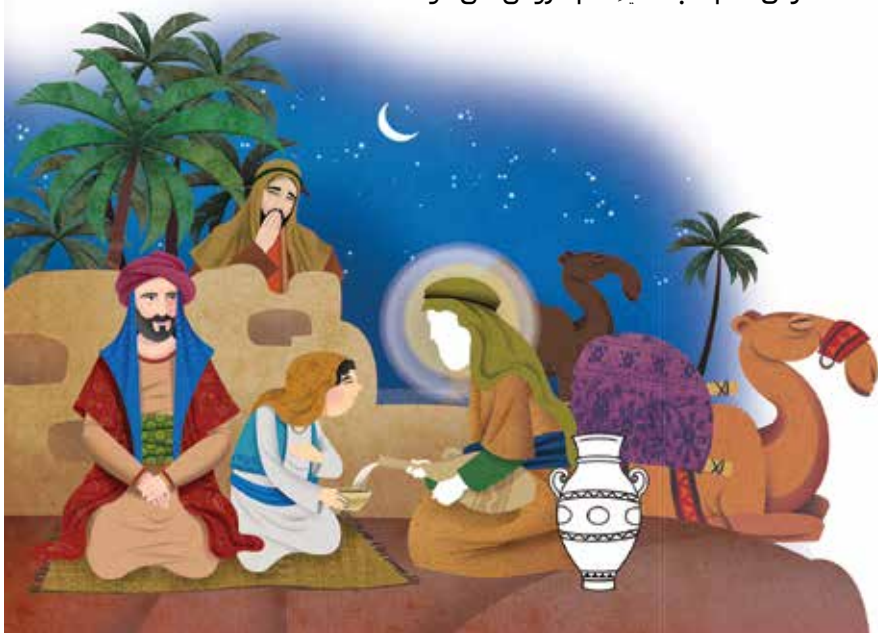








▼ کمک کردن امام سجاد علیه السلام هم کاروانی های خود



▼ کمک کردن امام کاظم علیه السلام مرد گرسنه



گاهی به تصویرگران گفته می‌شود از زاویه‌ای  
تصویر را بکشند که صورت دیده نشود  
تا بدین صورت مشکل خود را حل کرده  
باشند. در این شیوه معصومین علیهم‌السلام غالباً  
پشت به بیننده هستند.

▼ نیایش حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام در کنار  
فرزندش امام حسن علیه‌السلام



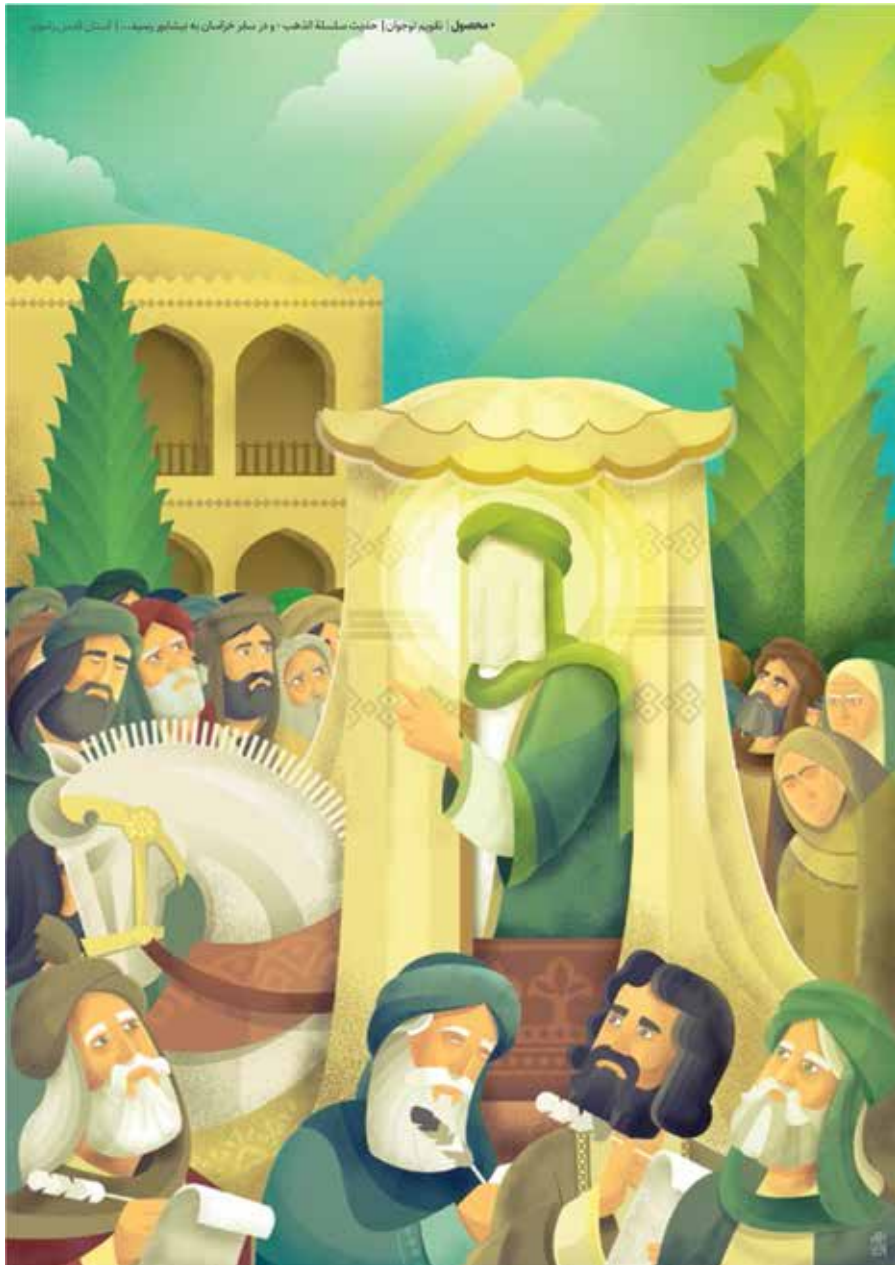
▼ کار کردن امام محمدباقر علیه‌السلام در مزرعه



▼ ماجرای غدیر خم



امام رضا عليه السلام در حال ذکر حدیث سلسله الذهب در سفر خراسان به نیشابور





پیامبر ﷺ و کودکان



پیامبر ﷺ ، امام حسن علیہ السلام ، امام حسین علیہ السلام و کودکان







▲ پیامبر اسلام ﷺ در کنار مردم (در تصویر بالا دایره ای در پشت سر پیامبر و در تصویر پایین نور در جلوی صورت و تا حدودی چهره پیامبر پیداست.) ▼



## ۲. تصاویر پوشش دختران و زنان در خانه و اماکن عمومی

یکی دیگر از رویه‌هایی که در تصویرسازی کتاب‌های کودک و نوجوان اعمال می‌شود (گذشته از برخی برخوردهای تصادفی که موضوع در آن نادیده گرفته می‌شود)، اجبار ناشران به ترسیم تصاویر دختران و زنان با حجاب اسلامی چه در خانه و چه فضای بیرون است.

به نظر می‌رسد این کار، موجب می‌شود کودک در درک مفهوم حجاب و اینکه حفظ حجاب اسلامی اساساً در برابر نامحرم معنی پیدا می‌کند، دچار مشکل و ابهام شود. در خانواده‌های مقید به حجاب اسلامی، زنان خانه در حالت عادی حجاب ندارند؛ اما به محض آنکه قرار است میهمان نامحرمی وارد خانه شود، همه می‌کوشند خود را به نحو مناسبی بپوشانند. کودک با مقایسه فضای قبل و بعد از ورود نامحرم، مفهوم حجاب را به شکلی عمیق درمی‌یابد و او هم به تاسی از بزرگ‌ترها آن را رعایت می‌کند.

تصور می‌شود، سخت‌گیری برخی از نهادها تربیتی دربارهٔ تصاویر زنان و دختران، و الزام به کشیدن حجاب در فضاهای خصوصی، ضمن آنکه توجیه محکمی ندارد، کودک مسلمان را دچار این تعارض می‌کند که چرا مثلاً مادر خانواده در نزد پسر و همسر خود روسری یا چادر بر سر دارد.

**راه حل پیشنهادی:** با عنایت به اهمیت حجاب در سبک زندگی اسلامی، به نظر می‌رسد کتاب‌های کودک، یکی از بهترین

محمل‌ها برای آموزش حجاب است و درک و دریافت کودک مسلمان از این مفهوم، با ایجاد تمایز بین تصاویر دختران و مادران در بیرون و درون منزل، یا به عبارتی در نزد محرم و نامحرم و از مسیر مقایسه دو وضعیت آسان‌تر است. شاید انجام این کار در سینما و تلویزیون، مگر در قالب نقاشی متحرک، ساده نباشد، اما کتاب‌های کودک، خصوصاً کتاب‌های درسی می‌توانند به کمک تصاویر، به کودکان بیاموزند که بین خانه و بیرون از آن تفاوت قائل شوند. شاید در چنین فضایی، بتوان انتظار داشت که تصویرگر ایرانی، در ترسیم دختران و زنان در بیرون از خانه و در برابر نامحرم، مراقبت بیشتری به عمل آورد. لطفاً در این زمینه ارائه‌ی طریق فرمایید.

▼ در این ۴ تصویر کتاب «حنانه» که اتفاقاً به آموزش حجاب می‌پردازد و توسط انتشارات به‌نشر تولید شده است برای اینکه بچه‌ها به تعارض نرسند هر جا در اندرونی خانه هست آزادانه پوشش خود را دارد و در خارج از منزل کاملاً حجاب رعایت شده است. متأسفانه خیلی از نهادهای فرهنگی از تصویرگران می‌خواهند که در اندرون خانه هم پوشش حجاب رعایت شود!







### ۳. نقش تصویرسازی در گسترش و همگانی کردن علم

تردیدی نیست که رشد همه جانبه و قطع وابستگی واقعی به بیگانگان و رفاه مردم ایران در گروه تولید علم است که انصافاً یکی از دغدغه‌های اساسی حضرت عالی در این سال‌های اخیر بوده است و مکرر به آن اشاره فرموده‌اید.

همه می‌دانیم که تولید علم و گسترش علوم در جامعه وقتی تثبیت می‌شود که علوم در جامعه همگانی شود و با نیروی خلاق، پرسشگر و پرانگیزه جوان پشتیبانی شود و برای جلب توجه این نیروهای جوان و همگانی کردن دانش، لزوماً باید عده‌ای باشند که به عنوان حلقه واسطه، به ساده‌سازی مفاهیم پیچیده علمی مبادرت ورزند و آن‌ها را به زبان ساده در کتاب‌ها و مقالات ویژه دانش‌جویان و معلمان و حتی دانش‌آموزان نوجوان بیان کنند. در کنار این دوستان، ما به گروهی نیازمندیم که همین کار را در حوزه تصویرسازی به انجام برسانند. بسیاری از جذابیت‌های نوشته‌های منتشر شده در کتاب‌ها و نشریات علمی خارجی، مرهون و مدیون تصویرگری‌های علمی و آموزشی و کمک به عینی‌تر کردن آن دانش‌هاست و اساساً سهم عمده‌ای از گسترش دانش در گرو این تصاویر غنی است.

در ایران دانشگاه‌های هنری زیادی وجود دارد که دانشگاه هنر تهران و دانشگاه هنر از برجسته‌ترین آن‌ها هستند. در هر دو دانشگاه رشته تصویرسازی وجود دارد و به دانش‌جویان این رشته، تصویرسازی کتاب‌های کودک و نوجوان آموزش داده

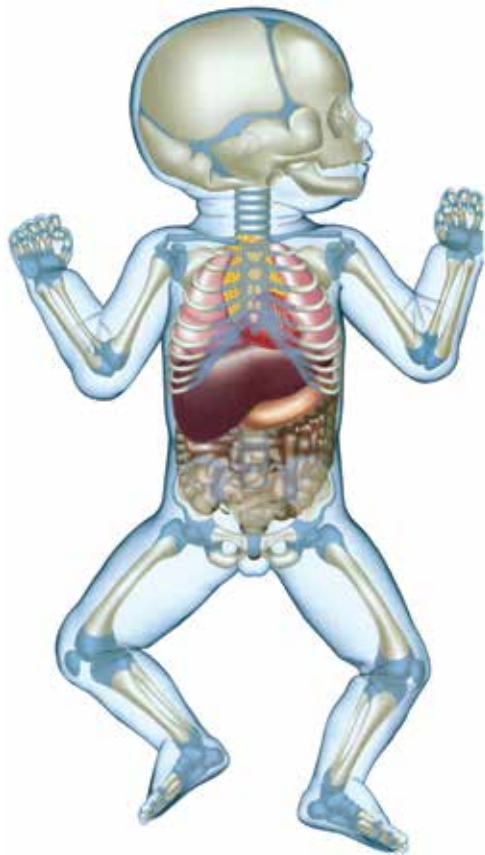
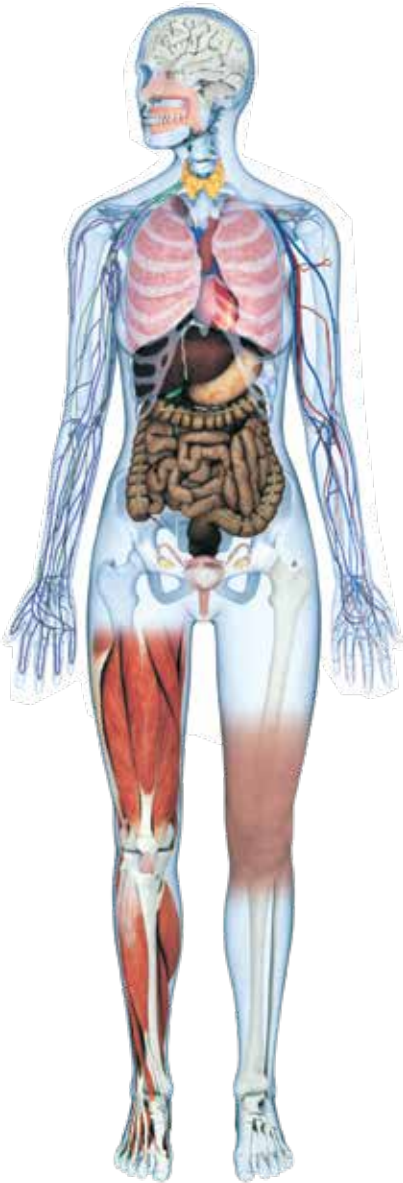
می‌شود. دانشجویان دو واحد نیز تصویرسازی علمی می‌آموزند، که البته بسیار ناچیز است و همین دو واحد هم جدی گرفته نمی‌شود.

نمی‌توان از علوم هسته‌ای نوشت می‌شود و فضای پیچیده اتم‌ها را با تصاویر علمی و در عین حال ساده‌سازی شده به تصویر نکشید. نمی‌توان از سلول‌ها سخن گفت بدون آنکه تصویری ساده و روشن از آن‌ها ارائه داد. اما با کمال تأسف، ارتباط منطقی مناسبی بین هنر و علم شکل نگرفته است و حتی در یک دانشگاه، مانند دانشگاه تهران که دانشکده‌های مختلف علوم و هنر دارد، ارتباطی بین این دو حوزه تعریف نشده است.

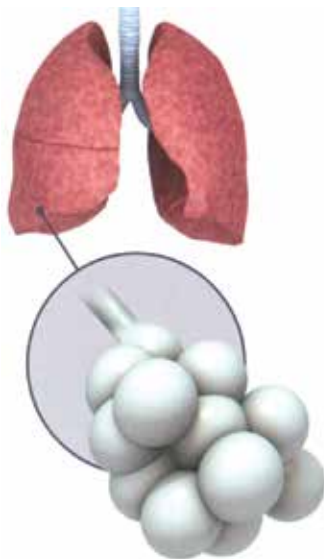
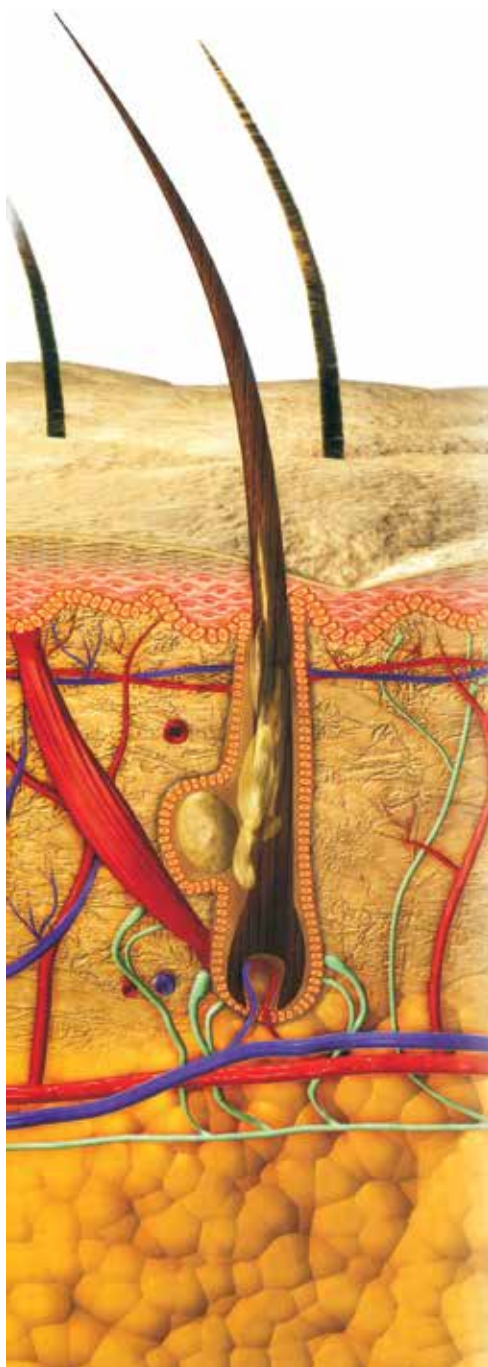
**راه حل پیشنهادی:** پیشنهاد می‌شود با انعقاد تفاهم‌نامه‌هایی در بین دانشکده‌های هنری و علمی و صنعتی، پایان‌نامه‌های، صنعتی، فنی و مهندسی و علمی دانشجویی به صورت مشترک ارائه شود. با عبارتی به یک کرشمه دو کار برآید و ضمن تولید دانش و هم‌زمان تربیت تصویرگران آموزشی و علمی در فضای واقعی، دانش تولید شده منتشر و در اختیار عموم قرار گیرد. امید است با برنامه‌ریزی مدیران، روزی بتوانیم با به‌کارگیری زبان جهانی تصویر، در گشودن درهای نو و هم‌زمان در شکوفایی علم در ایران عزیزمان گام‌های بلندی برداریم.

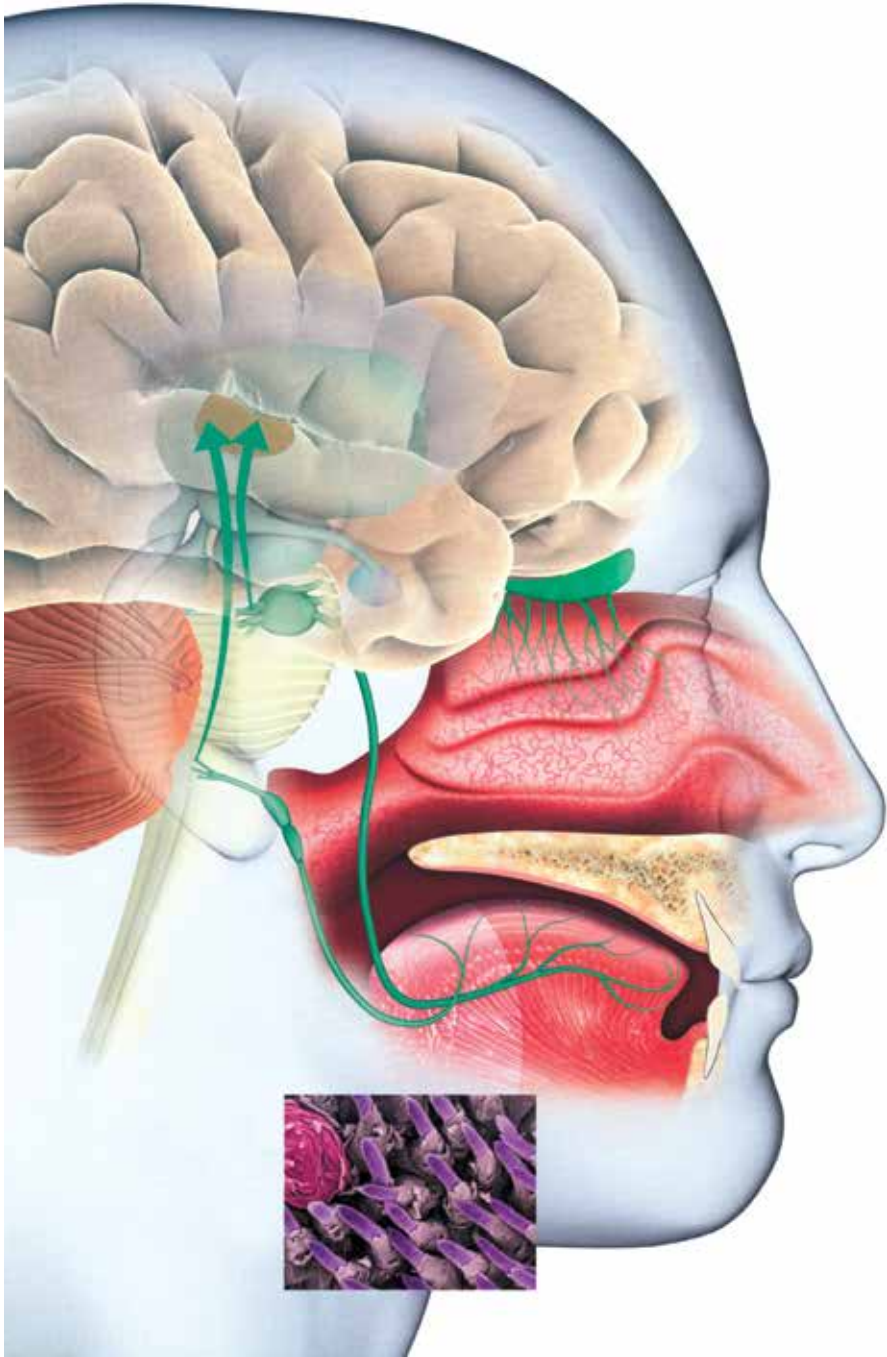


به کمک تصویرسازی علمی بسیاری از مفاهیم پیچیده علمی به سادگی قابل فهم می‌گردد و یادگیری به سهولت انجام می‌شود.



تصویرسازی در خدمت علوم پزشکی



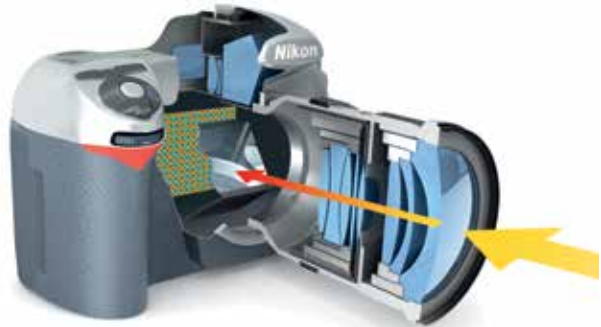


▼ نمای شبیه‌سازی شده ۳ بعدی از  
تلسکوپ‌های آینده





▲ ماهواره‌ها و مدارها



▲ تصویرسازی در خدمت آموزش

▼ تصویرسازی در خدمت خودروسازی





## ۴. بکارگیری حداکثر توان تصویرگران ایرانی برای تصویرگری

### کتاب‌های درسی

نکته دیگر که بی‌ارتباط با بخش‌های پیشین این نوشته نیست، مربوط به تصویرسازی کتاب‌های درسی دانش‌آموزان است. چنان‌چه اشاره رفت، تصویر خصوصاً در کتاب‌های آموزشی و از آن میان، در پایه‌های نخست، نقشی بی‌بدیل و کاملاً مؤثر دارند. تصویر در کتاب درسی خود بخشی از محتواست و یک تصویر گویا و مناسب هم مؤلف را از پرنویسی بازمی‌دارد، هم ارتباط مخاطب با متن و مفهوم مورد نظر را آسان‌تر برقرار می‌کند، هم متن را برای مخاطب دل‌پذیر می‌نماید و از همه مهم‌تر، بر ذهن و جان دانش‌آموز ماندگارتر و عمیق‌تر می‌نشیند. متأسفانه با وجود تصویرگران فراوان و فضایی که انقلاب اسلامی برای رشد و گسترش تصویرگری فراهم آورده است، و با وجود مقبولیت تصویرگری ایرانی در سطح جهان، خصوصاً در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان، تصویرسازی کتاب‌های درسی از کیفیت هنری مناسبی برخوردار نیست.

علی‌رغم اهمیت آموزشی تصویر در کتاب‌های درسی و از سویی شمارگان میلیونی این کتاب‌ها که بارها و بارها نیز تجدید چاپ می‌شود، استفاده از تصاویر ضعیف و بعضاً بی‌کیفیت اینترنتی و غیربومی فراوان است. متأسفانه مدیران به اینجا که می‌رسند، برای توجیه کیفیت کم تصاویر، دست به دامن بهانه صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌شوند؛ در حالی که هزینه تولید کتاب با بهترین و کیفی‌ترین تصاویر، تفاوت بسیار ناچیزی با

هزینه کتاب‌های تولید شده دارد.

بنده سی سال در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان مدیر هنری مجلات رشد همکاری داشته‌ام و این مسئله را به شیوه‌های مختلف به مدیران قدیم و جدید گوشزد کرده‌ام؛ اما روند اصلاح و بازسازی تصاویر به قدری کند و ضعیف و البته غیرکارشناسانه است که تنها راه اصلاح را تقدیم این سطور خدمت حضرتعالی دانستم.

وقتی ما تصویرگرانی زبده و شناخته شده در سطح جهان داریم، چرا نباید از این ظرفیت در جایگاه مهمی مانند کتاب‌های درسی سود ببریم؟ مشکل اینجاست که برخی از مدیران ارشد ما علاوه بر اینکه اعتقادی به کارکرد هنر در کتاب‌های درسی ندارند، حتی از گرفتن مشورت‌های هنری نیز غافل‌اند و این برای افرادی مثل حقیر که خود را سرباز نظام می‌داند، بسیار سخت است که پس از گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی و فضای موسع و درخشانی که انقلاب برای رشد و شکوفایی تصویرگری فراهم آورده است، بشنویم که کتاب‌های درسی رژیم پهلوی، از حیث هنری، از کیفیت بهتری برخوردار بوده‌اند.

## ۵. پیشنهاد تأسیس شاخه هنر در دانشگاه‌های مذهبی و حوزه

انتقال مفاهیم اسلامی و ارزشی انقلاب اسلامی، با رنگ هنر، نیازی است که نباید دستخوش حوادث روزگار قرار بگیرد و فراموش شود. این مهم، نیاز به تربیت نیروی انسانی کارآمد در بازه زمانی بلندمدت دارد.

به نظر می‌رسد تربیت نیروی انسانی انگیزه‌مند که در فضای مناسب تنفس کند و بتواند ارزش‌های دین و انقلاب را به زبانی ساده برای عموم مردم و خصوصاً نسل کودک و نوجوان بنگارد و متناسب با آن مفاهیم تصویرگری کند، ضرورتی برای دانشگاه‌های مذهبی، همچون دانشگاه امام صادق علیه السلام و حتی حوزه‌های علمیه است.

از آنجا که فضای این دانشگاه‌ها و نیروهایی که به آن جذب می‌شوند، برای انجام فعالیت‌های ادبی و هنری مذهبی و انقلابی و دعوت از اساتید مذهبی متناسب‌تر است و دانشجویان برای گذراندن واحدهای تخصصی دینی و ارزش‌های انقلاب، آمادگی بیشتری دارند، انتظار می‌رود دانشجویان در پاسخ‌گویی به نیازهای مذهبی و انقلابی جامعه شجاعت، خلاقیت و نوآوری‌های بیشتری نشان دهند. از این رو پیشنهاد می‌شود در دانشگاه مذکور و دو سه دانشگاه مذهبی دیگر کرسی ادبیات (نویسندگی) و ادبیات کودک (نویسندگی ادبی و آموزشی برای کودکان و نوجوانان) و هنر یا به شکل محدود آن تصویرگری، پایه‌گذاری شود و دانشجویان تربیت شده توسط اساتید مجرب و درد آشنا، به مدد هنر، پیام و آرمان‌های اسلام و انقلاب را به‌طور مستمر و با زبان هنر به جهانیان عرضه کنند.

سرباز شما

کاظم طلائی